

# تبیین و ارزیابی شاخص‌ها و مؤلفه‌های الگوی حکمرانی شهر تهران با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران

بهروز بادکو\*، محمد قاسمی سیانی\*\*، علی رنجبرکی\*\*\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۹

نوع مقاله: پژوهشی - ۲۱-۳۷

## چکیده

ساماندهی نظام حکمرانی ملی و منطقه‌ای، نقش موثری در دستیابی به چشم‌انداز و پیاده‌سازی راهبردهای ملی و کلان یک کشور دارد. در سال‌های اخیر بیانیه گام دوم انقلاب بعنوان یک سند راهبردی به تعیین چشم‌انداز و راهبردهای کلان حرکت کشور در چهل سال آینده پرداخته است. بدیهی است که دسترسی پایدار و سریع‌تر به اهداف و راهبردهای بیان شده در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیازمند بروزرسانی و متناسب‌سازی نظام حکمرانی ملی و منطقه‌ای است. هدف این مقاله بررسی میزان انطباق نظام حکمرانی شهری فعلی تهران با نظام حکمرانی مطلوبی که در راستای چشم‌انداز و راهبردهای تعیین شده در بیانیه گام دوم انقلاب است، می‌باشد. براین اساس با استخراج معیارها حکمرانی شهری متناسب با بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران به سنجش و ارزیابی این شاخص‌ها در مدیریت شهری تهران پرداخته شده است. پژوهش از لحاظ هدف کاربردی است که با روش اسنادی و پیمایشی با ابزار پرسشنامه اطلاعات گردآوری شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار SPSS صورت پذیرفته است. جامعه آماری این پژوهش کارشناسان و مدیران شهرداری تهران هستند و تعداد نمونه آماری ۱۸۵ نفر بوده است. نتایج به دست آمده در این پژوهش بیانگر آن است در وضعیت فعلی مدیریت شهرداری تهران از هشت مؤلفه حکمرانی متناسب با بیانیه گام دوم انقلاب، مؤلفه‌های رهبری و حرکت جهادی و مؤلفه شفافیت و کنترل فساد به ترتیب با میانگین ۳/۲۵ و ۲/۹۶ در حد بیشترین میزان قرار دارد. دو مؤلفه مشارکت طلبی و قانونگرایی با میانگین ۱/۷ و ۱/۸ کمترین میزان انطباق در مدیریت شهری تهران دارند. سایر مؤلفه‌های حکمرانی نیز در وضعیت متوسط و پایین‌تر از میانگین قرار گرفته‌اند.

واژه‌های کلیدی: نظام حکمرانی شهری، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران، تهران، مدیریت شهری.

## مقدمه

مدیریت و حکمرانی شهری، یکی از وجوه اصلی شهرها است که از دیرباز به شکل‌های گوناگون وجود داشته است. مسئله حکمرانی، موضوع جدیدی نیست بلکه پیشینه آن به آغاز شکل‌گیری تمدن بشری می‌رسد. به بیانی ساده مفهوم حکمرانی فرایندی از تصمیم‌سازی است؛ روندی که تصمیم‌ها در آن به اجرا در می‌آیند (فرزین‌پاک، ۱۳۸۳: ۶۸). حکمرانی را می‌توان «فرایند قاعده‌گذاری، اجرای قواعد، بررسی، نظارت و کاربست بازخوردها با اعمال قدرت مشروع و به منظور دستیابی به هدف مشترکی برای همه کنشگران و ذینفعان در چارچوب ارزش‌ها و هنجارها در محیط یک سازمان یا یک کشور» تعریف نمود (محمدی، ۱۴۰۱: ۹). بر اساس این تعریف، تنظیم قوانین و فرایندهایی که بر سبک سیاست‌گذاری و ذینفعان در فرایند سیاست‌گذاری و اعمال قدرت تأثیر می‌گذارد، بخشی از وظایف حکمرانی است. به علاوه، موفقیت حکمرانی معمولاً با مشخصه‌هایی از جمله: دستیابی به ارزش‌ها، رضایتمندی، عدالت‌گستری، مهار فساد، مشارکت‌طلبی، مسئولیت‌پذیری، اثربخشی، یکپارچگی و امثال آن سنجیده می‌شود (ر.ک: طیبی‌رهنی و محمدی‌مقدم، ۱۴۰۱). لذا موفقیت در حکمرانی و پیاده‌سازی یک نظام حکمرانی مناسب و مطلوب از الزامات اولیه پیشرفت و تکامل کشور و یا سازمان است. نظام حکمرانی هر جامعه متأثر و تأثیرگذار از زیربخش‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است و تناسب نظام حکمرانی با شرایط و زیربخش‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور یکی از عوامل کلیدی در موفقیت نظام حکمرانی و دستیابی به اهداف ملی یا سازمانی است. از سوی

دیگر، رویکردهای فعلی در ادبیات پژوهشی؛ موضوع رویکرد جامع و کامل و ارزش محور نبوده و هماهنگ با عناصر حکمرانی مطلوب در جامعه اسلامی نیست (ر.ک: جلالی فراهانی و همکاران، ۱۴۰۰). در یک جامعه اسلامی، دین اسلام شیوه اجرایی و عملیاتی، حکومت اسلامی را تشکیل می‌دهد و به سازوکارها و روابطی که منجر به دستیابی به اهداف و چشم‌اندازهای منطبق بر اسلام است، می‌پردازد. در حکمرانی اسلامی هدف افزایش کارآمدی نظام حاکمیتی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی برای اداره جامعه دینی است. این نوع حکمرانی بایستی متضمن سعادت دنیوی و معنوی امت اسلامی و تضمین‌کننده پیشرفت همه جانبه آنها باشد. نظام حکمرانی محصولی انسانی است و به همین خاطر فعالیتی است که برای تعریف روابط و اثرات متقابل دولت و جامعه مفید است. در سطح شهر یک نظام حکمرانی مطلوب و متعالی در تقابل با الگوهای اداره یک طرفه (از بالا به پایین) شهر و تعاملات یک سویه دولت و شهروندان، به کنش متقابل میان سه بازیگر اصلی شهر یعنی دولت محلی، بخش خصوصی و جامعه مدنی توجه دارد (ملک حسینی، ۱۳۹۶: ۱). وقوع انقلاب اسلامی در ایران و برقراری حکومت جمهوری اسلامی موجب شکل‌گیری الگوی حکمرانی منحصر به فردی در کشور شد. در این الگوی حاکمیت قواعد و اصول اسلامی همراه با مشارکت و همیاری عموم مردم مورد تأکید قرار گرفته است. گذشت چهل سال از عمر انقلاب اسلامی رهبر معظم انقلاب با ارائه بیانیه گام دوم، چشم‌انداز و مسیر حرکت انقلاب در سال‌های آتی را تبیین و تشریح نمودند. بر این اساس مرحله بعدی انقلاب اسلامی، مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی معرفی شده و حفظ و زنده نگاه

را آورده است (ر.ک: فرهنگ معین، ۱۳۷۸). حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می‌شود (زارعی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۱). حکمرانی یکی از اساسی‌ترین نیازهای جوامع بشری است که ضرورت آن بر کسی پوشیده نیست (ر.ک: امامی و شاکری، ۱۳۹۴). حکمرانی را می‌توان نفوذ هدایت‌شده در فرایندهای اجتماعی تعریف کرد که مکانیسم‌های مختلفی در آن درگیر هستند، برخی از این مکانیسم‌ها بسیار پیچیده‌اند و فقط از کنشگران بخش دولتی سرچشمه نمی‌گیرند. حکمرانی معنایی فراتر از دولت (حکومت) دارد و به فراگردی مردم‌سالار اطلاق می‌شود که همه جامعه را دربرمی‌گیرد. در حکمرانی و فراگرد توسعه، بخش خصوصی و سازمان‌های غیردولتی و سایر سازمان‌های جامعه مدنی تشویق شده و ترغیب به مشارکت در کنار دولت می‌شوند. همچنین حکمرانی بر چگونگی اداره مردم و اداره و تنظیم مناسبات حکومتی و بر سیستم سیاست‌های یک ملت و نحوه عملکرد آن در ارتباط با اداره بخش دولتی و قانون اطلاق می‌شود. به طور کلی سه نوع رژیم اصلی در حکمرانی مشارکت دارند، آنها عبارتند از دولت، جامعه مدنی یا شهروندان و بخش خصوصی (اکبری، ۱۳۸۵: ۲۴).

در خصوص حکمرانی در ادبیات تحقیق در انواع آن و چگونگی کارکرد از واژگانی همچون حکمرانی خوب، حکمرانی شایسته، حکمرانی متعالی، حکمرانی اخلاقی و برای حکمرانی اسلامی از انواعی همانند حکمرانی دینی، حکمرانی علوی، حکمرانی مهدوی و... نام برده شده است. در بررسی مدل‌های حکمرانی در شهرهای جهان چهار مدل حکمرانی بیشتر از مدل‌های دیگر مورد استفاده قرار گرفته است که هر کدام از این

داشتن اهداف و ارزش‌های انقلاب اسلامی، برای نسل‌های آتی در گروی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی بیان شده است. از این رو توجه به سیستم‌های تأثیرگذار در جامعه‌سازی و تمدن‌سازی برای اصلاح وضعیت موجود و پیشرفت بیش از پیش امری ضروری به حساب می‌آید. نظام حکمرانی مطلوب در کشور و سازمان‌های مختلف یکی از پیشران‌های اصلی و کلیدی جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی است. شهر تهران بعنوان بزرگترین و اصلی‌ترین شهر ایران می‌تواند الگویی نمونه و موفق در تبیین و پیاده‌سازی الگوی موفق نظام حکمرانی شهری قرار گیرد. بدین منظور در این مقاله تلاش گردید تا با توجه به اصول و ارزش‌های مورد تأکید در بیانیه و استخراج شاخص‌های حکمرانی وضعیت آنها در مدیریت شهری تهران مورد ارزیابی قرار بگیرد. بر همین اساس سؤالات اصلی این مقاله عبارت است از:

آیا اصولاً اصول و شاخص‌های نظام حکمرانی شهری متناسب با بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی کدام هستند؟  
وضعیت موجود مدیریت شهرداری تهران در زمینه معیارهای حکمرانی متناسب با بیانیه گام دوم انقلاب چگونه است؟

### مبانی نظری

حکمرانی ایده‌ای است که جایگزین مفهوم حکومت شده است. طبق این مفهوم، تصمیم‌گیری‌های مربوط به شهر و کلان‌شهرها با اجماع کل صاحبان منافع دخیل در شهر صورت می‌گیرد. برای هموارسازی بستر تحقق گذار از حکومت‌گرایی به شهروندمداری نیازمند آموزش‌های جدید برای ایجاد حکمرانی شهری است. فرهنگ فارسی معین در تعریف حکمران و حکمفرما واژگانی مترادف با «حاکم، والی و فرمانروا

مدل‌ها در شهرهای کشورهای مختلف در حال اجرایی باشند (ر.ک: اسماعیل زاده، ۱۳۹۳). در این مقاله چهار مدل زیر در کنار الگوی بانک جهانی با عنوان حکمرانی خوب در شهرها مورد بررسی قرار گرفته است و هشت شاخص مورد توافق و مود اجماع بعنوان شاخص‌های اولیه برای انتخاب شاخص‌های نظام حکمرانی متناسب بیانیه گام دوم در نظر گرفته شده است.

مدل حکمرانی مدیریتی، در این مدل حکومت محلی به عنوان یک سازمان عمومی در جهت تأمین نیازها و خواسته‌های عمومی از طریق تولید و ارائه خدمات، محسوب می‌شود. مدل حکمرانی مدیریتی از دو بعد قابل ارزیابی است. بعد اول اهداف دمکراتیک و مشارکتی و بعد دوم جنبه مدیریتی آن است (Keating, 1991:1). در طول ده تا پانزده سال گذشته، بعد مدیریتی بر بعد مشارکتی و دمکراتیک حکومت محلی غالب بوده است. گرداننده اصلی این تغییر که بحران‌های مالی را تشدید کرده است، ابتدا دولت، سپس حکومت‌های محلی بوده است. این بحران در کشورهای مختلف، از مشارکت سیاسی جمعی به سمت منافع فردی تغییر مسیر داشته است (ر.ک: Dalton, 1996). این تحولات، شرایط مناسبی را برای طرح مفاهیم گسترده بازار محور تحت لوای استراتژی «مدیریت عمومی جدید» در حکومت‌های محلی و سیاست‌گذاری‌های شهری مطرح کرده است (ر.ک: Pollitt, 1990). این استراتژی یا آنچه پترز تحت عنوان «حکومت محلی» نام می‌برد (Petters, 1996: 28). بر نیاز برای رقابت بین تأمین‌کنندگان خدمات مختلف و توانمندسازی مصرف‌کنندگان تأکید دارد. هدف این استراتژی، توسعه مبادلات شبه بازاری بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان خدمات شهری، به شیوه‌ای است که انتخاب

مصرف‌کننده بر تصمیمات نمایندگان منتخب در ارائه خدمات، اولویت داشته باشد. تمرکز بر هزینه‌ها، کارایی، تقاضا و مدیریت تخصصی همواره برای تولیدکنندگان خدمات عمومی در همه سطوح حکومتی، پیشنهاد می‌شود. حکمرانی مدیریتی، مسئولان محلی را در داخل و خارج از سازمان‌هایشان، در وابستگی کامل به منابع مدیریت تخصصی نگه می‌دارد و نهایتاً در سیاست‌گذاری‌های شهری، رویکرد نهادسازی انعطاف‌پذیر در حکومت محلی را مطرح می‌شود. در مجموع مدل حکمرانی مدیریتی، نقش ناچیزی برای مسئولین منتخب مردم قائل می‌شود. تأکید بیشتر روی عملکرد تولید براساس استانداردهای مدیریت خصوصی است. در رویکرد نظری حکمرانی مدیریتی بر مشارکت حرفه‌ای، فراتر از مشارکت سیاسی نخبگان تأکید دارد. بنابراین بازیگران کلیدی در حکمرانی مدیریتی، مدیران سازمان‌های تولیدکننده و ارائه دهنده خدمات عمومی هستند (ر.ک: Osborne and Gaebler, 1992).

مدل حکمرانی شراکتی، در مدل حکمرانی شراکتی شهر بر نوعی دمکراسی کوچک، صنعتی و پیشرفته تأکید می‌شود. این مدل بیشتر در شهرهای کشورهای اروپای غربی در حال اجرا است. از منظر تاریخی، شراکت‌گرایی نوعی نظام سیاسی است که در نظام‌های سوسیالیسم دولتی تعریف می‌شود و خودش را به شکل بخش عمومی بزرگ، سیاست‌های بازتوزیعی، تأمین خدمات دولت رفاه بسیط، درجه بالای مشارکت سیاسی و انجمن‌های داوطلبانه قوی بروز می‌دهد (ر.ک: Elder, Tomas and Arter, 1982). در حکمرانی شراکتی بر تأمین و توسعه خواسته‌های اعضای سازمان‌ها تأکید می‌شود و سازمان‌ها همواره تمایل دارند تا سطوح بالای مشارکت جمعی را

حفظ کنند (ر.ک: Coser, 1956). حکمرانی مشارکتی، حکومت شهری یا محلی را به عنوان یک نظام سیاسی و دموکراتیک برای حضور گروه‌های اجتماعی و سازمان‌یافته در فرایند سیاست‌گذاری شهری به تصویر می‌کشد. ایده دموکراسی محلی مشارکتی، محور این مدل از حکمرانی محسوب می‌شود و حکومت محلی به عنوان ابزاری برای ایجاد توافق جمعی و هماهنگی بین بخش‌های عمومی - خصوصی تلقی می‌شود (ر.ک: Hermes and Selvik, 1983; Villadsen, 1986).

مدل حکمرانی طرفدار رشد، عمومی‌ترین مدل سیاست‌گذاری شهری محسوب می‌شود. دهه‌های گذشته، شاهد منازعات گسترده بین جامعه‌شناسان (به ویژه در ایالات متحده)، درباره درکشان از رشد شهری و ماهیت اقتصاد سیاسی شهری در چشم‌اندازهای گسترده بوده است (ر.ک: Johnes and Bachelor, 1986). رویکرد حکمرانی طرفدار رشد، نمونه‌ای از رویه‌ای محسوب می‌شود که توافق بین قدرت سیاسی و اقتصادی را تسهیل کند. حکمرانی طرفدار رشد با تعامل نزدیک بخش‌های عمومی - خصوصی تعریف می‌شود. پیش‌شرط‌های اجتماعی و سیاسی برای این نوع تعامل، در ارتباط با سنت‌های ملی، قابلیت‌های منطقه‌ای و حضور عمومی در بازارها است. انتخاب‌های سیاسی مرتبط با ساختارسازی حکمرانی طرفدار رشد می‌تواند به درجه فراگیری یا مشارکت بازیگران مختلف، انتخاب بین اهداف کوتاه مدت و درازمدت، ماهیت ارتباطات شهری با سطوح بالای حکومتی، و یا فرایند بین‌المللی شدن به عنوان یک استراتژی برای تکمیل سایر استراتژی‌ها دلالت داشته باشد؛ بنابراین توجه به قلمرو مباحث سیاسی در چشم‌اندازهای حکمرانی،

طیف گسترده‌ای از گزینه‌های سیاسی را مطرح می‌کند. حکمرانی طرفدار رشد، ساختارسازی هماهنگ عملکرد بخش‌های عمومی - خصوصی برای تقویت اقتصاد محلی محسوب می‌شود. حکمرانی طرفدار رشد، یکی از برجسته‌ترین بخش‌های سیاست‌گذاری‌های شهری کنونی در تمام دموکراسی‌های صنعتی پیشرفته محسوب می‌شود. مشارکت‌کنندگان در حکمرانی طرفدار رشد، شامل نخبگان تجاری و مسئولین انتخاب شده محلی عالی‌رتبه است که منافع خود را در توسعه اقتصاد محلی به اشتراک می‌گذارند (ر.ک: Parkinson, 1990). حکمرانی طرفدار رشد، کاملاً یک مدل حکمرانی نخبه‌گرا محسوب می‌شود. مشارکت محدود به منظور پیشگیری از توسعه اهداف توزیعی در حکمرانی، ضروری است. حکمرانی طرفدار رشد، رشد اقتصادی را به عنوان یک هدف بسیار مهم مدنظر دارد (ر.ک: Savitch, 1998).

مدل حکمرانی رفاه، در حکمرانی رفاه شهرها عموماً رشد بسیار محدودی در اقتصاد محلی دارند. تأثیر عمده سرمایه بر اقتصاد که از طریق سیستم رفاه ایجاد می‌شود، این شهرها را در وابستگی آشکار به دولت قرار داده است (Molenkopf, 1983: 40). میراث صنعتی شدن شهر در پیوند شدیدی با بیکاری بالا و فقدان استراتژی‌های مشارکتی اقتصادی قرار دارد. این شهرهای از سرمایه‌های خصوصی خالی می‌شوند، در طرح‌های توسعه منطقه‌ای نادیده گرفته می‌شوند و برای بقا، شدیداً به سرمایه‌گذاری‌های دولتی نیازمندند. با در نظر داشتن این وابستگی به سرمایه‌گذاری‌های حکومت مرکزی، این مدل حکمرانی، دولت را در بالاترین سطح ممکن به عنوان تأمین‌کننده و

سازنده در نظر می‌گیرد. مدیریت سیاسی این شهرها برای اجرای برنامه‌های جبرانی در شهر، بیشترین تکیه را به دولت دارد. در واقع، این نوع از بسیج منابع، به دلیل عدم قطعیت‌هایی که در این نوع استراتژی وجود دارد و به دلیل توسعه شبکه‌ها با بخش بازار که گزینه مناسبی برای توجیه‌های سیاسی نیست، اغلب مهم‌تر از احیای بخش تجاری خصوصی محسوب می‌شود (ر.ک: Rodwin and Sazanami, 1991).

اولویت در حکمرانی رفاه، افزایش ارتباط با دولت - از طریق کانال‌های سیاسی یا اداری - است که شهر را از اقتصاد محلی جدا می‌کند. این موضوع، به نوبه خود، مسائل مرتبط با رکود اقتصادی در سطح محلی را تشدید می‌کند. مشارکت‌کنندگان اصلی در حکمرانی رفاه، مقامات حکومت محلی و مقامات حکومت مرکزی، و همچنین نظام دیوان‌سالاری است. ارتباطات متعصبانه بین سازمان‌های محلی و ملی می‌تواند در حمایت از شهرهای مربوطه، سودمند باشد. ابزار حکمرانی رفاه، اساساً تأکید روی شبکه‌هایی با لایه‌های بالای حکومت طرح‌ریزی می‌شوند. این شبکه‌ها ممکن است سیاسی یا اداری و یا هر دو باشند. حکمرانی رفاه نمی‌تواند در درازمدت، پایدار باشد زیرا در میان مدت کسری بودجه‌ای فزاینده‌ای را تجربه می‌کنند (اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۳: ۵۶).

از سوی دیگر در مطالعات صورت گرفته در داخل کشور انواعی از مدل‌های حکمرانی بومی بیان شده است. یکی از اینها، حکمرانی دینی است در این حکمرانی منشاء حاکمیت را مالکیت و ربوبیت حقیقی بر می‌شمارد و حاکمیت مطلق را تنها از آن خداوند می‌داند. بعد از این حکمرانی، گروهی حکمرانی علوی را برشمرده‌اند. خاستگاه سیاسی حکمرانی علوی، با سه دیدگاه: الهی، الهی - مردمی و مردمی بیان

شده است. الگوی حکمرانی علوی دارای شاخص‌هایی چون، پایبندی کامل به دین خدا و اصرار بر اقامه دین الهی بعنوان اصل اولیه، عدالت بعنوان اصل دوم و مبارزه با فساد سومین اصل در این حکمرانی است. پیروان ادیان آسمانی حداقل سه دین اسلام، مسیحیت و یهود در وجود منجی با هم اشتراک دینی دارند که آینده جهان به دست صالحان و خدایرستان است. در این خصوص در کشورهای اسلامی حکمرانی مهدوی مطرح شده است. یکی دیگر از انواع حکمرانی در جهان اسلامی، حکمرانی متعالی است، الگوی حکمرانی متعالی، شیوه حکومتی است که بر اساس مبانی، اصول و روش‌های اسلامی و متکی بر مطلوبیت‌های و خواست‌های اسلام طرح ریزی شده است. این الگو که بر مبنای نظریه مردم‌سالاری دینی طراحی شده است، بدیلی برتر برای مدل حکمرانی خوب، محسوب می‌شود. شاخص‌های حکمرانی متعالی در دیدگاه حکومتی حضرت علی (ع) عبارتند از: پاسخگویی و حق اظهار نظر؛ ثبات سیاسی و نبود خشونت؛ اثربخشی دولت؛ کیفیت قانون؛ حاکمیت قانون و کنترل فساد است.

در حال حاضر بیانیه گام دوم انقلاب نقطه عطفی است که جامعه علمی کشور را به بازخوانی و مرور تجربیات و رخدادهای چهل ساله انقلاب اسلامی سوق داده است. طبیعتاً ایجاد تحول نیازمند بازآفرینی مؤلفه‌های گوناگون و رصد ابعاد بسیار متنوع در ساحت‌های اعتقادی، فرهنگی، اخلاقی، سیاسی و اقتصادی است. در این بین ساختار شهری یکی از مهمترین عامل تأثیرگذار بر مؤلفه‌های سازنده تمدن نوین دینی و اسلامی است بنابراین در این مسیر باید از تناسب و تحول چنین ساختار شهری غافل نبود. بیانیه گام دوم خط مشی‌های مختلفی در این زمینه را بیان نموده است لذا

فهم مسائل بین‌المللی

۵. سنگین کردن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی به صورت متوازن در همه پهنه سرزمینی و آحاد اقشار مردم کشور

۶. افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه

۷. تسلیم ناپذیری و ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان در همه عرصه‌ها

در بخش دیگر بیانیه، توصیه‌های اساسی و خوش‌بینانه به آینده کشور در حوزه‌هایی چون علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن و سبک زندگی مطرح شده است. این سرفصل‌ها بایستی بعنوان اصول و اهداف حاکم بر نظام حکمرانی محلی و ملی کشور مبنای عمل باشند.

### روش‌شناسی

در این مطالعه ابتدا با روش کتابخانه‌ای در منابع علمی و اسناد الکترونیکی در دسترس شاخص‌ها و ابعاد نظام حکمرانی شهری، استخراج گردید. سپس با مبنای قراردادن بیانیه، ابعاد حکمرانی شهری با توجه به اصول و راهبردهای مطرح شده در بیانیه تدقیق شد. برای این منظور مصاحبه‌های عمیق تخصصی با اندیشمندان و نخبگان دانشگاهی و حوزوی و مدیران متخصص و ارشد، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان شهر تهران صورت پذیرفت. تعداد نمونه آماری بخش کیفی مطالعه تا رسیدن به اشباع نظری ۱۴ نفر بود که با روش نمونه‌گیری منتخب و گلوله برفی انجام پذیرفت. تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده در مصاحبه‌ها با روش کیفی تحلیل مضمونی یا مبتنی بر تم انجام پذیرفته است. این روش شامل شش

لازم است پیشران‌های حرکت به سوی شهر اسلامی در طراز نظام انقلابی تمدن‌ساز در این بیانیه و الزامات عملیاتی شدن و کاربردی نمودن آن مبانی شناسایی و سنجیده شود. بهر حال اینکه انقلاب اسلامی وارد دومین مرحله جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است زمان مناسبی است که با نگاه به گذشته، تحولی در ساختار مدیریت شهری با رویکرد جامعه‌پردازی و تمدن‌سازانه و بهره‌گیری از نظرات کارشناسان و فقیهان دینی در حوزه مدیریت و شهرسازی شکل بگیرد. از این منظر مدیریت شهری برای تحقق تمدن نوین اسلامی باید شهر را بگونه‌ای اداره کند که منابع و خدمات در شهر بصورت عادلانه توزیع شود و منزلت اجتماعی شهروندان حفظ شود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» به تبیین دستاوردهای انقلاب اسلامی در چهار دهه گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به منظور جهاد برای ساختن ایران اسلامی آباد و بزرگ از طریق خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی ارائه فرموده‌اند. در این بیانیه تأکید شده است که برای داشتن آینده‌ای روشن و استوار، باید گذشته را به درستی شناخت و تحلیل نمود. از اینرو در بیانیه گام دوم در بخش اول برکات نظام جمهوری اسلامی در ۷ سرفصل زیر بیان شده است که انتظار می‌رود در گام دوم انقلاب این برکات تعمیق و توسعه یابد. این هفت سرفصل عبارتند از:

۱. ثبات، امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران
۲. علم و فناوری موتور پیشران کشور در عرصه ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی
۳. حداکثرسازی مشارکت مردمی در تمامی صحنه‌های ملی
۴. ارتقاء شگفت‌آور بینش سیاسی بیشتر مردم بخصوص در تحلیل مسائل سیاسی و

مرحله تحلیلی به ترتیب عبارتند از: آشنایی با داده‌ها، استخراج کدهای اولیه و کدگذاری، شناخت مضامین، ترسیم شبکه مضامین، تحلیل شبکه مضامین و تدوین گزارش است پس از تحلیل کیفی اطلاعات جمع‌آوری شده معیارها و شاخص‌های نظام حکمرانی متناسب با بیانیه گام دوم تبیین و انتخاب شدند.

در مرحله بعدی با استفاده از شاخص‌های به دست آمده، پرسشنامه تحقیق طراحی شد و در جامعه آماری مورد پیمایش قرار گرفت. جامعه آماری پیمایش میدانی تحقیق کارشناسان و مدیران شهری در معاونت‌های هشتگانه شهرداری تهران بودند. تعداد نمونه آماری بر اساس جدول مورگان، در بخش‌های ستادی معاونت‌های شهرداری تهران ۱۸۵ نمونه تعیین شد. دلیل انتخاب این جامعه آماری سنجش میزان تطابق وضعیت فعلی مدیریت شهری تهران با اصول نظام حکمرانی متناسب با بیانیه گام دوم از دید مدیران و کارشناسان فعال در حوزه مدیریت شهر تهران است. کارشناسان و مدیران اجرایی شهرداری تهران تا حد زیادی

در بردارنده فرهنگ سازمانی و نظام اداری مدیریت شهری تهران هستند و میزان انطباق آنها با اصول حاکم بر نظام حکمرانی شهری متناسب با بیانیه گام دوم، تأثیر مستقیمی بر اجرای سریع‌تر و راحت‌تر آن دارد. از اینرو در این مطالعه تلاش شده است تا وضعیت فعلی نظام مدیریت شهری با اصول حاکم بر نظام حکمرانی شهری متناسب با بیانیه گام دوم انقلاب سنجیده و تحلیل شود.

### یافته‌های تحقیق

با انجام مصاحبه‌ها، تحلیل آنها با روش تحلیل مضمون انجام پذیرفت. با تحلیل مصاحبه‌ها مضامین الگوی حکمرانی متناسب با بیانیه گام دوم در شهر تهران شامل ۱۰۲ کد اولیه، ۳۳ مضمون فرعی، ۸ مضمون اصلی به دست آمد.

برای رسیدن به ابعاد حکمرانی، در مرحله دوم و کدگذاری ثانویه، تعداد مقولات مشابه در یک گروه قرار گرفتند و مضامین اصلی نظام حکمرانی به شرح جدول زیر استخراج گردیدند.

جدول ۱- مضامین فرعی و مضامین اصلی مستخرج از آنها

مضامین اصلی	مضامین فرعی
طرفیت‌سازی برای توسعه	توانمندسازی، هوشمندسازی، ساماندهی، نهادینه‌سازی
مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی	شجاعت‌ورزی، ارزیابی، پاسخگو بودن، مسئول بودن
مشارکت‌طلبی و آزادی	مشارکت همگانی، آزادی عمل، برابری، مشورت‌طلبی، همراهی
شفافیت و کنترل فساد و رانت	سلامت نفس، دوری از رانت، صداقت و درستی، کنترل فساد، شفافیت
قانونگرایی	قانون‌مندی، پیروی از قانون، کاهش تبصره‌ها و الحاقیه‌ها
کارآیی (اثربخشی تأثیرگذاری)	تأثیرگذاری، مطالبه‌گری، کارآیی، مدیریت اثربخش
رهبری و حرکت جهادی	فداکاری و شجاعت، کار شبانه‌روزی، رهبری معنوی، جهادگر بودن
انصاف و عدالت محوری	درستکاری، برابری، انصاف‌ورزی، عدالت فضایی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲



در ادامه با استفاده از ادبیات تحقیق و مطالعات پیشین و انجام مصاحبه‌ها و تحلیل آنها، شاخص‌ها و مؤلفه‌های مضامین اصلی برای تدوین پرسشنامه تحقیق و

سنجش میزان انطباق نظام مدیریت شهری فعلی با نظام حکمرانی مطلوب متناسب با بیانیه گام دوم انقلاب به دست آمد و مورد استفاده قرار گرفت.

جدول ۲- شاخص‌ها و مؤلفه‌های نظام حکمرانی مطلوب و متناسب با بیانیه گام دوم انقلاب

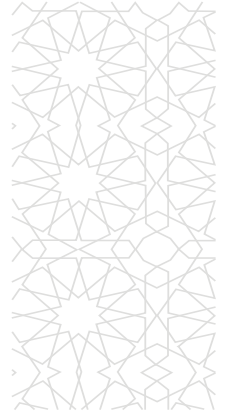
ردیف	مضامین اصلی	شاخص‌ها
۱	مشارکت‌طلبی	مشارکت در برنامه‌ریزی، مشارکت در تصمیم‌سازی، مشارکت نهادهای مدنی، ایجاد ساختار برای فعالیت شهروندان، دادن اختیار به شهروندان، نظارت شهروندان بر تصمیمات
۲	ظرفیت‌سازی برای توسعه	تشکیل اتاق‌های فکر، توانمندسازی، شایسته‌سالاری در انتصابات، هوشمندسازی، توجه به فنون و دانش جدید، انعطاف‌پذیری در برنامه‌ها
۳	پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری	پاسخگویی در قبال وظایف، صداقت و روراستی، تعهد در برابر وظایف، ایجاد سازوکار و شیوه پاسخگویی، احساس مسئولیت، شایسته‌سالاری
	شفافیت و کنترل فساد	شفافیت در تصمیمات، شفافیت در عملکرد و نتایج، رانت و پارتی‌بازی، ایجاد سازوکارهای اعلان شفافیت، کنترل و پایش عملکرد
۵	قانونگرایی	التزام در برابر قانون، بی‌طرفی و برابری در برابر قانون، تأثیرگذاری گروه‌های ذی‌نفوذ، عدم تبعیض و جانبداری، رعایت حقوق شهروندی، مقاومت در برابر خلاف
۶	کارآیی (اثربخشی و تأثیرگذاری)	پوشش یکسان خدمات، استمرار و دائمی بودن فعالیت، کاهش هزینه‌ها، ارتقای کیفیت خدمات، درست مصرف نمودن منابع، واگذاری خدمات به سایر بخش‌های جامعه
۷	رهبری و حرکت جهادی	روحیه خودباوری و اعتماد به نفس، حرکت مبتنی بر علم و درایت، همسویی و همفکری با مردم، نفی برتری جویی و منفعت‌طلبی، نگرش و باور به مردم، کارآمدی و سرعت، خستگی‌ناپذیری
۸	انصاف و عدالت محوری	عدالت توزیعی، عدالت جنسیتی، برابری دسترسی آزاد به فرصت‌ها، اعتقاد به حقوق شهروندی، توجه به منافع جمعی

مأخذ: مصاحبه‌های تحقیق، ۱۴۰۲؛ ابراهیم زاده و اسدیان، ۱۳۹۲؛ امام‌قلی پور و آسمانه، ۱۳۹۵؛ تاش و همکاران، ۱۳۹۳؛ دهقانی و کیانپور، ۱۳۹۳؛ مولایی، ۱۳۹۹؛ نوده و فراهانی، ۱۳۹۸، درخشه و موسوی‌نیا، ۱۳۹۷

در شهرداری تهران صورت پذیرفت که در ادامه تحلیل ابعاد هشت‌گانه حکمرانی بیان می‌شود.

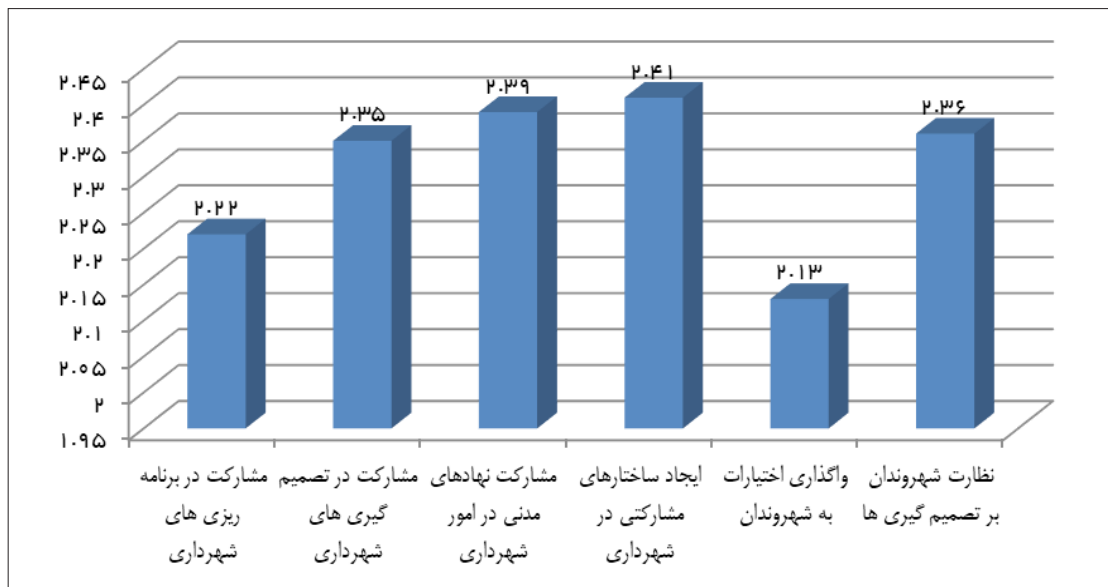
مشارکت شهروندان و مشارکت‌طلبی در امور شهری اولین بعد از ابعاد اصلی الگوی

تدوین پرسشنامه و برداشت مطالعات میدانی گام بعدی تحقیق بود که به منظور سنجش وضعیت شاخص‌ها و ابعاد الگوی حکمرانی شهری منطبق بر بیانیه گام دوم



حکمرانی شهری متناسب با بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است. وضعیت شاخص‌ها و مؤلفه‌های این بعد در شهرداری تهران در نمودار زیر نمایش داده شده است.

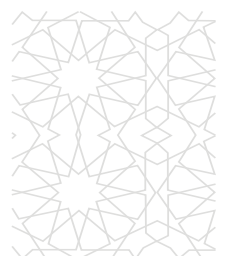
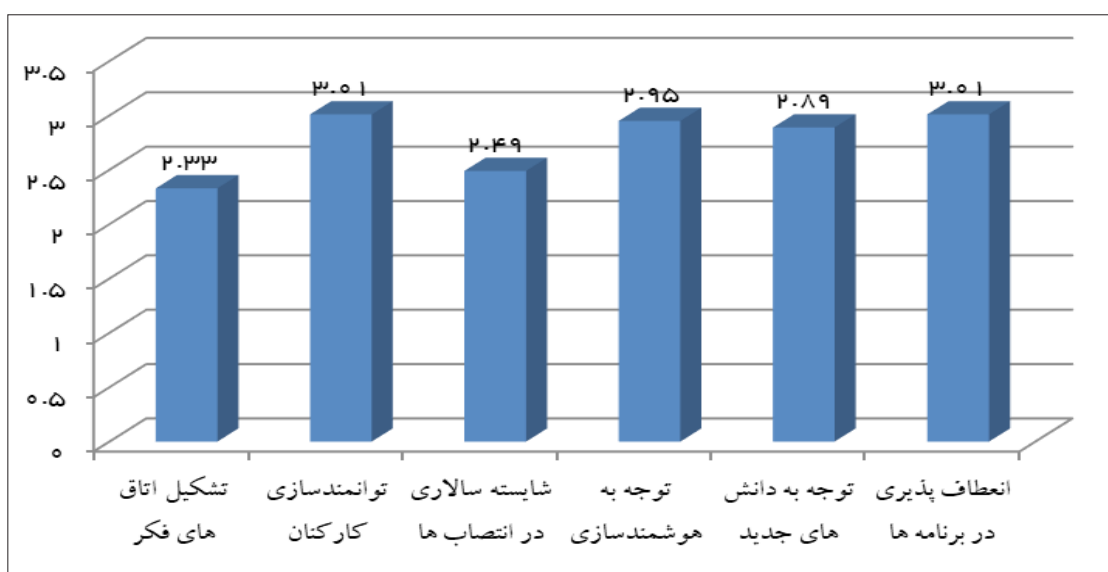
نمودار ۱- وضعیت مشارکت شهروندان در حکمرانی و وضعیت فعلی شهرداری درصد



پایین‌ترین سطح خود با میانگین ۲/۱۳ قرار گرفته است. بعد دیگر الگوی حکمرانی شهری منطبق بر بیانیه گام دوم انقلاب، ظرفیت‌سازی برای توسعه است. وضعیت شاخص‌ها و مؤلفه‌های این بعد در شهرداری تهران در نمودار زیر نمایش داده شده است.

در بعد مشارکت شهروندان، شاخص ایجاد ساختارهای مشارکتی با میانگین ۲/۴۱ بالاتر از بقیه شاخص‌ها قرار گرفته است. بنابراین مشخص گردید که ایجاد ساختارهای مشارکتی مناسب می‌تواند زمینه افزایش مشارکت شهروندان را فراهم آورد تا مشارکت ایده‌ال و مطلوب رخ دهد اما در حال حاضر شاخص واگذاری اختیارات به شهروندان در

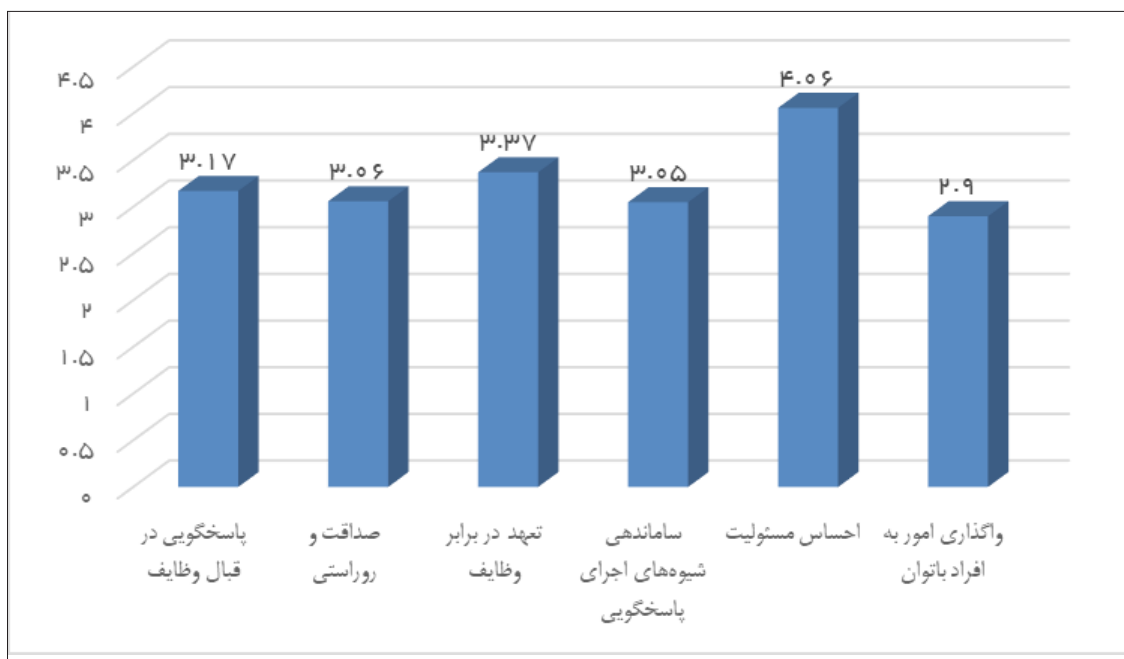
نمودار ۲- وضعیت شاخص‌های ظرفیت‌سازی برای توسعه شهرداری در وضعیت فعلی درصد



است هر چند وضعیت شایسته سالاری در انتصاب‌ها دارای میانگین پایینی است. در بعد پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری در حکمرانی شهری شاخص‌هایی همچون، پاسخگویی در برابر وظایف، صداقت و روراستی در عمل و وظایف، تعهد مدیران در برابر وظایف، ساماندهی شیوه‌های اجرای پاسخگویی به شهروندان، احساس مسئولیت در قبال وظایف و واگذاری مسئولیت‌ها به افراد باتوان‌تر مورد بررسی قرار گرفت. در جدول زیر وضعیت هر یک از مؤلفه‌های نسبت به میانگین نشان داده شده است.

وضعیت مؤلفه‌های این بعد از حکمرانی مدیریت شهری در وضعیت مناسبی وجود دارند. این امر به معنا این نیست که میانگین همه مؤلفه‌ها و شاخص‌ها بالاتر از حد مطلوب باشد. دو شاخص انعطاف‌پذیری مدیریت شهری در برنامه‌ها و توانمندسازی کارکنان نسبت به بقیه مؤلفه‌ها در سطح بهتری قرار دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت در مدیریت شهری فعلی تهران ظرفیت‌های خوبی برای توسعه شکل گرفته است که نیازمند توسعه و توجه به ساختارهای توسعه‌ای در شهرداری تهران

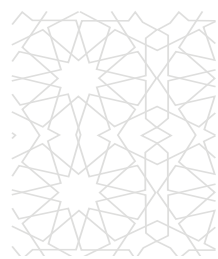
نمودار ۳- بررسی وضعیت مؤلفه‌های پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری در شهرداری تهران



نتایج نشان می‌دهد که در بعد پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری در شیوه حکمرانی مبتنی بر بیانیه در مدیریت شهری وضعیت خوب حکمفرما است.

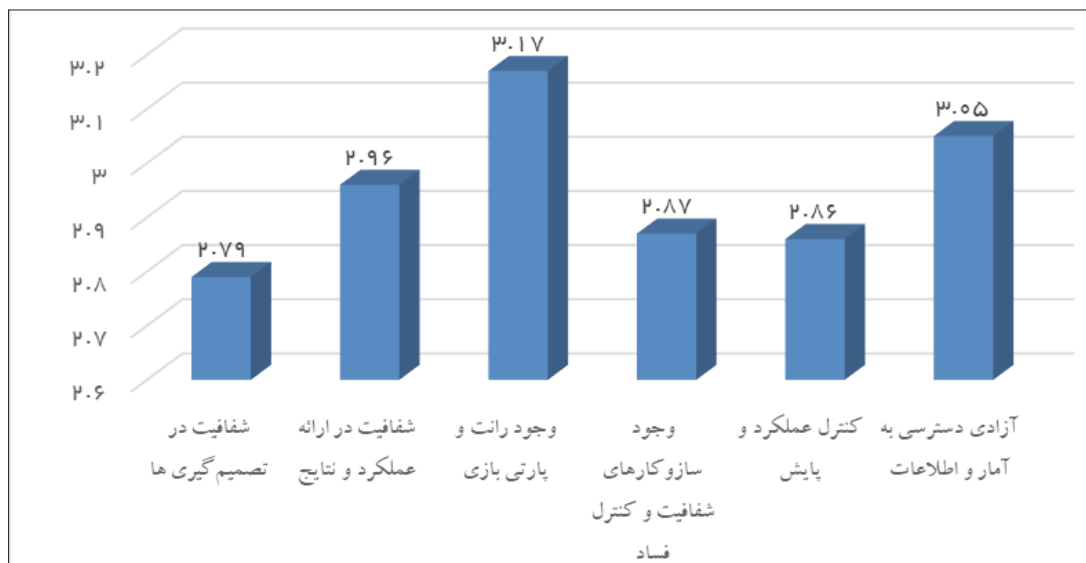
بررسی بعد شفافیت و کنترل فساد در الگوی حکمرانی مبتنی بر بیانیه در مدیریت شهر تهران در نمودار زیر نمایش داده شده است:

در این بعد وضعیت هر یک از مؤلفه‌ها در وضعیت مناسبی قرار دارند و میانگین‌های به دست آمده از متوسط بالاتر بوده است. در این بعد احساس مسئولیت در بین مدیران و کارکنان بالاترین حد را داشته و تعهد در برابر وظایف در رده بعدی قرار دارد. تنها واگذاری امور به افراد باتوان میانگین کمتری نسبت به بقیه شاخص‌ها کمتر است. بنابراین



درصد

### نمودار ۴- بررسی وضعیت مؤلفه‌های شفافیت و کنترل فساد در شهرداری تهران

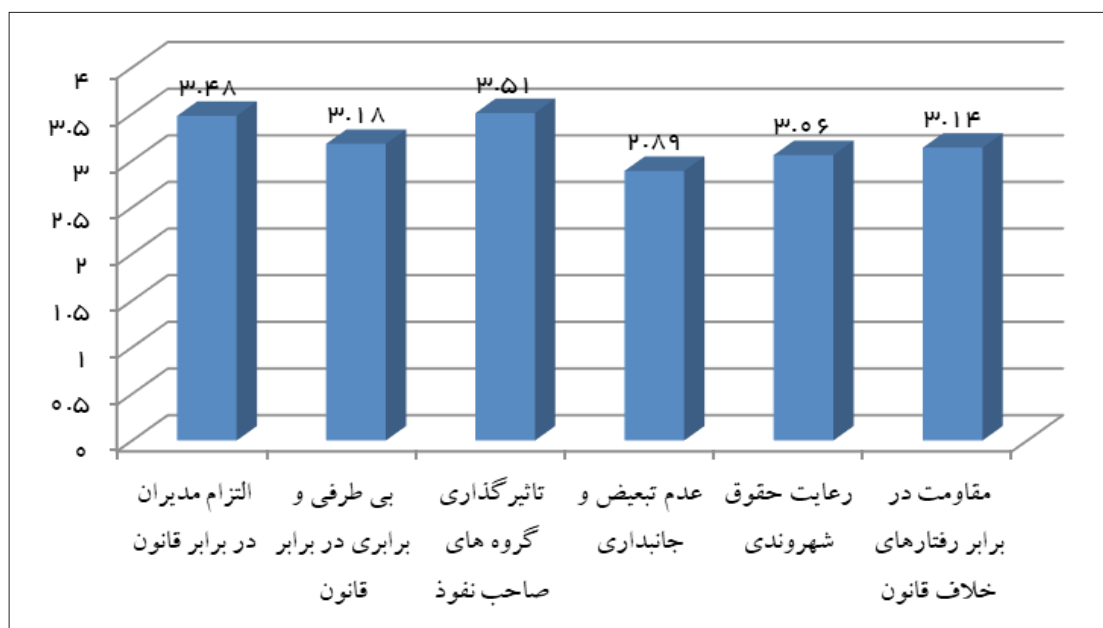


بعد قانونگرایی یکی دیگر از ابعاد مهم و اصلی در مدل حکمرانی است. این بعد با مؤلفه‌هایی چون التزام مدیران در برابر قانون، بی‌طرفی و برابری در برابر قانون، تأثیرگذاری گروه‌های صاحب نفوذ، عدم تبعیض و جانبداری، رعایت حقوق شهروندی و مقاومت در برابر رفتارهای خلاف قانون مورد سنجش قرار گرفت.

نتایج بیانگر آن است که وجود رانت و پارتی‌بازی در مدیریت شهری بالاتر از حد میانگین و بالاتر از بقیه مؤلفه‌ها قرار دارد. زیرشاخص آزادی دسترسی به آمار و اطلاعات وضعیت مناسبی است ولی در شاخص‌های دیگر همانند وجود سازوکارهای کنترل فساد، شفافیت در تصمیم‌گیری یا عملکرد وضعیت مطلوبی وجود ندارد.

درصد

### نمودار ۵- وضعیت شاخص‌های قانونگرایی در شهرداری تهران



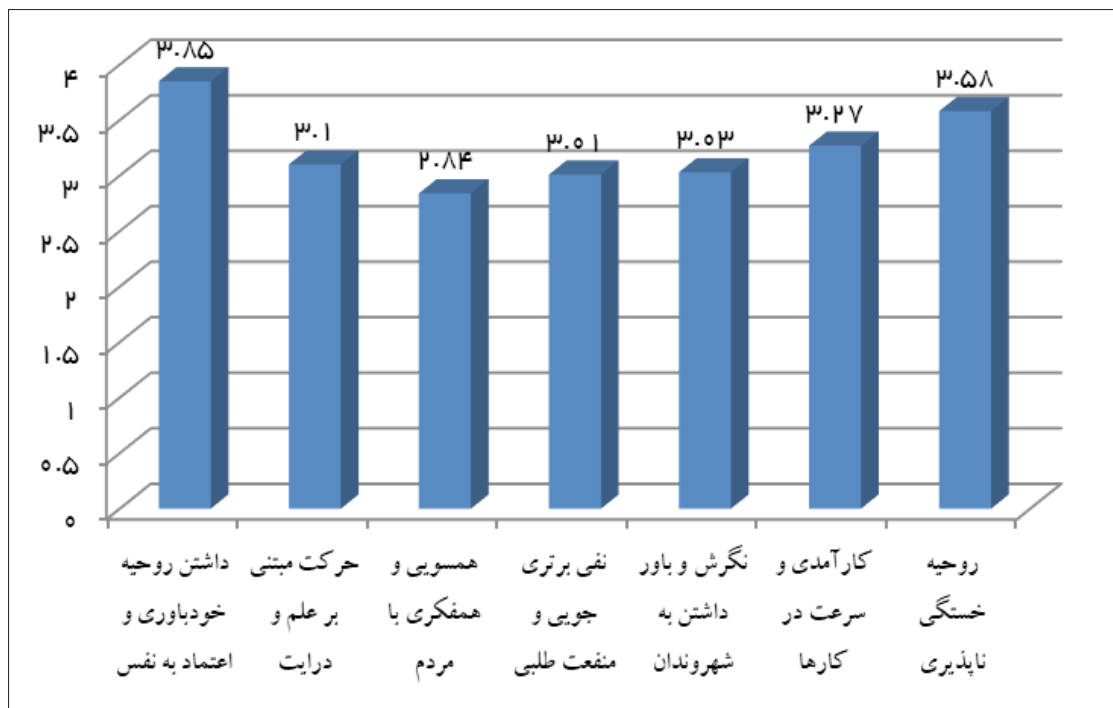
گرفت. در مجموع از بررسی شش مؤلفه و شاخص به دست آمده در خصوص بعد کارآیی و اثربخشی حکمرانی در مدیریت شهری، نتایج نشان داد که این موضوع در وضعیت مناسبی قرار دارد و میانگین‌های به دست آمده از حد متوسط بالاتر است در این بعد شاخص ارتقای کیفیت خدمات در سطح شهر با میانگین ۳/۲۱ و شاخص کاهش هزینه‌های اجرایی و عملیاتی با میانگین ۳/۱۳ درصد نسبت به بقیه وضعیت بهتری را دارا می‌باشند.

یکی از ابعاد الگوی حکمرانی شهری منطبق بر بیانیه گام دوم وجود قدرت رهبری و روحیه جهادی در بین مدیران است. برای بررسی این بعد تعداد هفت شاخص استفاده شده است. نتایج میانگین مجموعه مؤلفه‌ها این بعد از حکمرانی بیانگر آن است که وضعیت این بعد بالاتر از حد متوسط است.

بعد قانونگرایی در مدیریت شهری در وضعیت مطلوبی قرار دارد و مجموع شاخص‌ها میانگین بالاتری دارند. در بین شاخص‌های قانونگرایی تنها نکته منفی این است که تأثیرگذاری گروه‌های صاحب نفوذ در شهرداری وضعیت بالایی دارد. از سوی دیگر هرچند از نظر کارکنان شهرداری التزام به قانون در مدیران وجود دارد اما تبعیض و جانبداری نیز کماکان بعنوان یک معضل قانونی در شهرداری وجود دارد.

بعد کارآیی (اثربخشی و تأثیرگذاری) در حکمرانی در این تحقیق با مؤلفه‌های پوشش مناسب خدمات شهری، استمرار فعالیت‌ها و دائمی بودن اقدامات، کاهش هزینه‌های اجرایی و عملیاتی، ارتقای کیفیت خدمات در سطح شهر، درست مصرف نمودن منابع در دسترس و واگذاری خدمات به بخش‌های دیگر شهری مورد سنجش و بررسی قرار

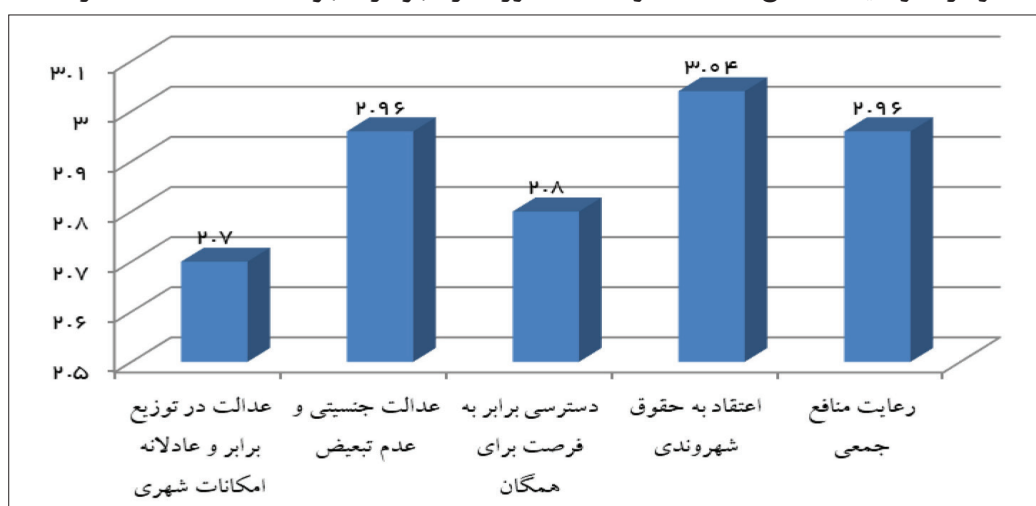
نمودار ۶- وضعیت شاخص‌ها و مؤلفه‌های رهبری و روحیه جهادی در شهرداری تهران درصد



عمومی و کلی شاخص‌ها و مؤلفه‌های بعد انصاف و عدالت محوری نشان می‌دهد که میانگین‌ها در وضعیت مناسبی نسبت به میانگین سایر ابعاد قرار ندارد. در این بعد تنها اعتقاد به حقوق شهروندی بالاتر از ۳ است و بقیه میانگین‌ها کمتر از ۳ است.

بعد نهایی در حکمرانی شهری انصاف و عدالت محوری است. در این بعد پنج مؤلفه عدالت در توزیع برابر و عادلانه امکانات شهری، عدالت جنسیتی و عدم تبعیض، دسترسی برابر به فرصت برای همگان، اعتقاد به حقوق شهروندی و رعایت منافع جمعی مورد بررسی قرار گرفت. بررسی وضعیت

نمودار ۲- وضعیت شاخص‌های انصاف و عدالت محوری در شهرداری تهران درصد



هر یک از شاخص‌ها بالاتر از حد وسط باشد بیانگر وضعیت خوب آن شاخص حکمرانی در مدیریت شهری است. در این آزمون، اگر مقدار سطح معنی داری (sig)، کمتر از ۵ درصد باشد نشان دهنده این است که میانگین حاصل از نمونه را می‌توان به کل جامعه تعمیم داد. نتایج سنجش آزمون T در جدول زیر ارائه شده است.

بعد از سنجش و ارزیابی هر یک از ابعاد حکمرانی بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب با استفاده از آزمون T-Test تک نمونه‌ای استفاده شده است. هر چقدر میانگین هر یک از شاخص‌ها از حد وسط که در طیف لیکرت معمولاً ۲/۵ است کمتر باشد موید وضعیت نامناسب آن شاخص حکمرانی در مدیریت شهری فعلی است. از سوی دیگر هر چه میانگین

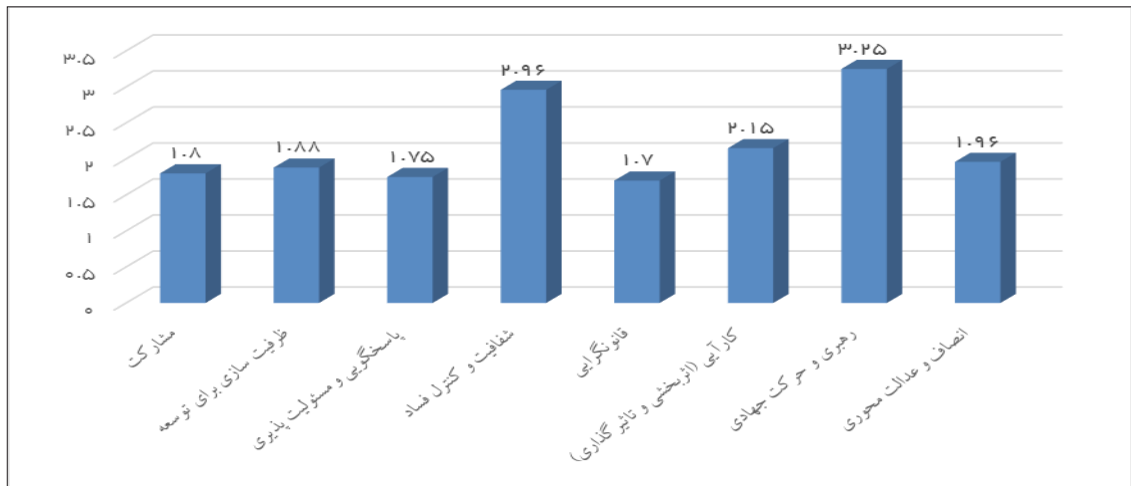
جدول ۳- ارزیابی شاخص‌های حکمرانی شهری در مدیریت شهری تهران

مقدار میانگین: ۲/۵						مؤلفه‌ها
سطح اطمینان: ۹۵٪						
سطح معنی داری	بیشترین	کمترین	اختلاف میانگین	DF	T	
۰/۰۰۰	-۰.۴۹۶۸	-۰.۶۰۱۵	۱/۸۰	۳۸۴	۱۸/۸۸۰	مشارکت‌طلبی
۰/۰۰۰	-۰.۴۹۳۵	-۰.۵۶۳۷	۱/۸۸	۳۸۴	۱۸/۳۲۰	ظرفیت‌سازی برای توسعه
۰/۰۰۰	-۰.۴۵۳۲	-۰.۵۹۸۷	۱/۷۵	۳۸۴	۱۹/۱۴۰	پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری
۰/۰۰۰	-۰.۴۹۳۵	-۰.۵۳۲۵	۲/۹۶	۳۸۴	۱۵/۹۲۸	شفافیت و کنترل فساد
۰/۰۰۰	-۰.۶۲۸۷	-۰.۸۷۴۱	۱/۷۰	۳۸۴	۲۱/۸۴۰	قانونگرایی
۰/۰۰۰	-۰.۴۸۱۶	-۰.۶۱۹۷	۲/۱۵	۳۸۴	۱۶/۲۵۶	اثر بخشی و تأثیرگذاری
۰/۰۰۰	-۰.۴۰۱۶	-۰.۵۲۸۹	۳/۲۵	۳۸۴	۱۴/۴۴۱	رهبری و حرکت جهادی
۰/۰۰۰	-۰.۴۸۵۶	-۰.۵۹۵۷	۱/۹۶	۳۸۴	۱۷/۴۵۲	انصاف و عدالت محوری

فساد با بالاترین میانگین به ترتیب با ۳/۲۵ و ۲/۹۶ در وضعیت مناسبتری قرار دارند اما دو مؤلفه مشارکت‌طلبی و قانونگرایی با کمترین میزان میانگین به ترتیب با ۱/۷ و ۱/۸ در وضعیت نامطلوبی قرار دارند.

نتایج نشان می‌دهد که مؤلفه‌های نظام حکمرانی شهری متناسب با بیانیه گام دوم انقلاب در مدیریت شهری تهران وضعیت مطلوب و مناسبی برخوردار نیستند. دو مؤلفه رهبری و حرکت جهادی و شفافیت و کنترل

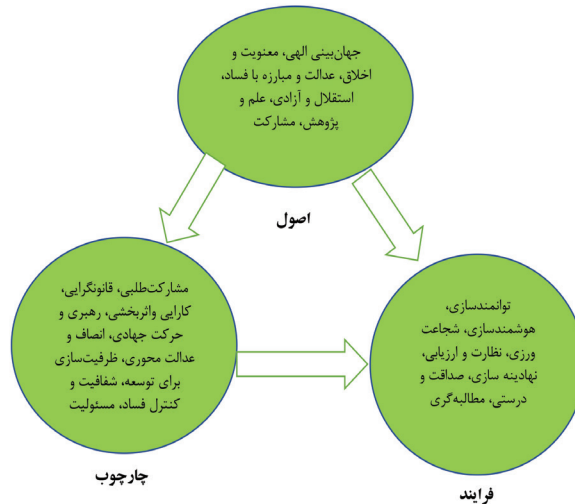
نمودار ۸- وضعیت شاخص‌های حکمرانی شهری در مدیریت شهری تهران



می‌شوند. اصول شامل مبانی و زیربنای فکری و فلسفی الگوی حکمرانی متناسب با بیانیه گام دوم انقلاب است. چارچوب الگو شامل مجموعه‌ای از عوامل و عناصر سازمانی و نهادی برای تدوین، طراحی، اجرا و نظارت در سیستم قرار دارد که این عناصر شامل مأموریت‌ها، اهداف، راهبردها و سیاست‌های سازمانی و نهادی در شهرداری است. فرایندهای الگو نیز شامل اقدامات و فعالیت‌ها در مواردی چون سنجش، ارزیابی، نظارت و تحلیل در سیستم می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

در این تحقیق با مبنا قراردادن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی تلاش گردید تا ابعاد و شاخص‌های نظام حکمرانی شهری مطلوب استخراج و در شهرداری تهران سنجیده شود. بر اساس آنچه از مصاحبه‌های تخصصی با خبرگان به دست آمد الگوی حکمرانی متناسب با بیانیه گام دوم انقلاب شامل مجموعه‌ای از اصول، چارچوب و فرایندها است که در نظام هماهنگ و سیستمی به بهبود عملکردهای شهرداری منجر



شکل ۱- اصول، چارچوب و فرایندها در الگوی حکمرانی متناسب با بیانیه گام دوم انقلاب

یافته‌های مصاحبه‌های تخصصی این مطالعه نشان می‌دهد که هشت بعد اصلی چارچوب نظام حکمرانی شهری متناسب با بیانیه گام دوم انقلاب شامل مشارکت‌طلبی، ظرفیت‌سازی توسعه، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، شفافیت و کنترل فساد، قانونگرایی، کارآیی و اثربخشی، رهبری و حرکت جهادی و انصاف و عدالت محوری است. یافته‌های پیمایش میدانی بیانگر این است که در وضعیت فعلی مدیریت شهرداری تهران از هشت مؤلفه حکمرانی متناسب با بیانیه گام دوم انقلاب، مؤلفه‌های رهبری و حرکت جهادی و مؤلفه شفافیت و کنترل فساد به ترتیب با میانگین ۳/۲۵ و ۲/۹۶ در حد بیشترین میزان قرار دارد. دو مؤلفه مشارکت‌طلبی و قانونگرایی با میانگین ۱/۷ و ۱/۸ کمترین میزان انطباق در مدیریت شهری تهران دارند. سایر مؤلفه‌های حکمرانی نیز در وضعیت متوسط و پایین‌تر از میانگین قرار گرفته‌اند.

بر اساس آنچه بعنوان اصول و چارچوب مدل حکمرانی مناسب بیانیه گام دوم شناسایی گردید می‌توان گفت هدف نهایی نظام حکمرانی شهری شامل زمینه‌سازی و ظرفیت‌سازی برای توسعه و تعمیق عقلانیت و تزکیه نفس، رشد اخلاق و معنویت‌گرایی دینی، تعالی و سعادت انسان، کمال‌مادی و معنوی و گسترش سبک زندگی اسلامی همراه با نشاط و ایمنی است. در این نظام حکمرانی رابطه حکومت و مردم، حداکثرسازی مشارکت شهروندان و استفاده از نظرات آنها در حوزه‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و ایجاد شرایط مناسب برای توسعه و تعالی انسان یکی از ارکان و ابعاد اصلی است. بر همین اساس در

حوزه نظارت و کنترل فعالیت‌ها، توسعه نهادهای مردمی ضروری به نظر می‌رسد و به منظور ارتقای سطح عملکرد و مشروعیت نظام حکمرانی شهری مبارزه همه‌جانبه با رانت و فساد و افزایش اعتماد عمومی ضروری است.

## منابع

اسماعیل زاده، حسن (۱۳۹۳) «الگوهای مشارکت شهروندان در اداره شهرها»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال بیست و هشتم، شماره ۲۹۶.

اکبری، غضنفر (۱۳۸۵) سرمایه اجتماعی و حکمرانی شهری، تحقیقات جغرافیایی، ۲۱ (۴) (پیاپی ۸۳)، صص ۱۳۵-۱۵۳.

امامی، محمد؛ شاکری، حمید (۱۳۹۴) حکمرانی خوب و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پژوهشنامه حقوق تطبیقی دوره اول، شماره ۲، صص ۵۴-۷۶.

جلالی فراهانی، علیرضا و مرتضی موسی‌خانی و سیدمهدی الوانی و ابوالفضل کاظمی (۱۴۰۱) طراحی الگوی مدیریت منابع انسانی پایدار همسوس با حکمرانی مطلوب پایدار در نظام اداری ایران، فصلنامه علمی مدیریت منابع در نیروی انتظامی، سال نهم، شماره ۱، صص ۹۱-۱۲۸.

زارعی، بهادر و سیدعباس احمدی و زهرا پیشگاهی‌فرد و محسن عابدی‌درچه (۱۳۹۹) مقایسه تطبیقی حکمرانی متعالی در اسلام و حکمرانی خوب در غرب، دومین همایش ملی حکمرانی اسلامی، تهران.

طیبی‌رهنی، علی و یوسف محمدی‌مقدم (۱۴۰۱) مدل تجویزی حکمرانی در مدیریت منابع انسانی بعد از بحران شیوع کرونا، فصلنامه منابع انسانی تحول آفرین، سال اول، شماره ۳، صص ۲۶-۳۲.



Keating, M (1991) Comparative urban politics. Aldershot, UK: Edward Elgar.

Mollenkopf, J. H (1983) The contested city. Princeton, NJ: Princeton Univ. Press.

Osborne, D., and T. Gaebler (1992) Reinventing government. Reading, MA: Addison-Wesley.

Parkinson, M (1990) Leadership and regeneration in Liverpool: Confitsion, confrontation, or coalition? In Leadership and urban regeneration, edited by D. Judd and M. Parkinson, 241-57. Newbury Park, CA: Sage.

Peters B. G (1996) The future of governing: Four emerging models. Lawrence: Univeristy Press of Kansas.

Pollitt, C (1990) Managerialism in the public service. Oxford, UK: Basil Blackwell.

Rodwin, L., and H. Sazanami, eds (1991) Industrial change and regional economic transformation. London: HarperCollins.

Savitch, H. V (1998) The ecology of public-private partnerships: Europe. In Partnerships in urban governance: European and American experiences, edited by J. Pierre, 175-86. London: Macmillan.

Villadsen, S (1986) Local corporatism? The role of organisations and local movements in the local welfare state. Policy and Politics 14:247-66.

فرزین پاک، شهرزاد (۱۳۸۳) آموختنی‌های شهر، حکمرانی خوب چیست، فصلنامه شهرداری‌ها شماره ۶۹.

فرهنگ معین (۱۳۸۷) محمد معین، زرین.

محمدی، رضا (۱۴۰۱) تدوین الگوی توسعه سرمایه انسانی مبتنی بر حکمرانی مطلوب و پایدار سازمانی، فصلنامه آموزش مدیریت دولتی، شماره ۱۶، سال دوم.

Coser, L. A (1956) The functions of social conflict. London: Routledge Regan Paul.

Dalton, R. J (1996) Citizen politics: Public opinion and political parties in advanced industrial democracies. Chatham, NJ: Chatham House.

Elder, N., A. H. Thomas, and D. Arter (1982) The consensual democracies? The government and politics of the Scandinavian states. Oxford, UK: Martin Robertson.

Hemes, G., and A. Selvik (1983) Local corporatism. In Organizing interests in Western Europe, edited by S. Berger, 103-19. Cambridge: Cambridge Univ. Press.

Jones, B. D., and L.W. Bachelor (1986) The sustaining hand: Community leadership and corporate power. Lawrence: University Press of Kansas.

